

نیم‌نگاهی به مولوی مثنوی برای جوان‌ترها

مسعود خیام



۱۳۹۶

فهرست

۱۰	مقدمه
۱۴	دفتر اول
۱۷	شاه و دخترک زیبارو
۲۴	بنقال و طوطی
۲۷	خلیفه و لیلی
۲۹	شیر و خرگوش
۳۶	عزرائیل در هند
۳۸	صوطی و بازرگان
۴۳	زن و شوهر اعرابی
۴۸	دانش مند و ناخدای کشتی
۵۰	خال کوبی
۵۳	من و ما
۵۵	یوسف
۵۷	دشمنی مولانا با فلسفه
۵۹	عیادت کر از همسایه بیمار

در سرتاسر مثنوی، فقط یک بیت را خصوصی انگاشته‌ام. تو گویی مولانا شرح احوال مرا داده است:

قوم تو در کوه می‌گیرند گور در میان کوی می‌گیری تو کور؟!
 گور = گور خر = شکار بزرگ.
 مولانا

۶۳	مسابقه نقاشی
۶۶	دفتر دوم
۶۸	مار دزد
۷۰	خر برفت
۷۳	لقمان
۷۵	دوستی خاله خرسه
۷۷	دزدان در باغ
۸۱	طواف
۸۴	عاقلی که خود را به دیوانگی زده بود
۸۷	شکایت قاضی از قضاوت
۸۹	خانه آخرت
۹۱	انگور
۹۴	دفتر سوم
۹۵	شغال و طاووس
۹۷	فیل در تاریکی
۹۹	پیر مرد و ترازو
۱۰۱	دزد و دُهل
۱۰۲	دفتر چهارم
۱۰۳	دباغ در بازار عطر فروشان
۱۰۶	آزمون شیطان
۱۰۷	نی زن
۱۰۹	دفتر پنجم
۱۱۰	پیر طاووس

۱۱۶	آهو در طویله
۱۱۸	دفتر ششم
۱۱۹	دزد گوسفند و جامه
۱۲۱	گردو بازی عاشق
۱۲۳	من نمی توانم
۱۲۵	قورباغه و موش
۱۲۷	سلطان دزد
۱۳۰	کلام خرد
۱۶۰	مؤخره

مقدمه

سلام عزیزان.

امروز می‌خواهیم مثنوی بخوانیم. زبان فارسی گویندگان فراوانی دارد اما شش شاعر مثل تاج بر تارک آن می‌درخشند. به ترتیب تاریخ: فردوسی، خیام، نظامی، سعدی، مولوی، حافظ. آشنا نشدن با هر کدام، جفای جدی به خود ما خواهد بود. وقتی از مولوی اسم می‌بریم دو اثر مهم را در نظر داریم: «دیوان شمس تبریزی» و «مثنوی معنوی». کتابی که در دست دارید کوتاه شده مثنوی است. در شرح مثنوی اگر امساک نکنیم کار حجیم می‌شود. سینه مولانا پر از سخن است اما از حجم می‌پرهیزد.

گر بگویم شرح این بی حد شود

مثنوی هفتاد من کاغذ شود

کوشش این کتاب به خلاصه‌نویسی خواهد بود. بسیاری حرف‌ها که می‌تواند در مقدمه بیاید و آن را ملال آور کند در متن کتاب پخش شده است اما، هر نوع خلاصه‌نویسی مثنوی، به ورطه ایجاز مخل در می‌غلطد. گروه خونی انسان علمی معاصر با مولانا همخوان نیست. مولانا با هر چه علم و فلسفه و تعقل زمینی است مخالفت می‌کند. مثنوی معنوی مولانا پر

از اشارات و تمثیلات دینی است. از آن جایی که سوژه دین بسیار حساسیت برانگیز است و من هیچ تخصصی در این زمینه ندارم در این کتاب به حوزه دین وارد نمی‌شوم و آن را برای اهل الهیات می‌گذارم. میدان کار مولانا دین و عرفان و خرافه است و به کار اهل علم و منطق و فلسفه نمی‌آید. او به آسمان آویخته و برای کسانی که چشم به آسمان دارند، چراغ آسمان مولانا است. مثنوی را قرآن فارسی هم نامیده‌اند. بعضی پارافراتر گذاشته مولانا را پیام‌آور خوانده‌اند. در کتاب حاضر به این جنبه‌ها وارد نمی‌شویم. صرف‌نظر از این که خواننده مسلمان باشد یا نباشد، خود قرآن به عنوان کتاب آسمانی وجود دارد و لازم نیست مثنوی را با آن مقایسه کنیم.

مذهب مولانا سنتی حنفی اشعری است و حجم اصلی مثنوی را مطالب دینی، عرفانی، هیروتی و ناکجاآبادی پر کرده است. در کتاب حاضر، تصوف و عرفان و مذهب و خرافه و سخنان غیر علمی و کلمات رکیک مولانا را نادیده گرفته‌ام و بیش‌تر به نکات نغز مولانا که بسیاری از آن‌ها تا حد ضرب‌المثل به اعماق قلوب مردم رسوخ کرده اشاره کرده‌ام.

پس از دوران طلایی علمی قرن بیستم، وارد قرن بیست و یکم شده‌ایم که به نظر می‌رسد دنیا با پسرقتی سریع، به سوی جنگ‌های مذهبی می‌شتابد. در چنین شرایطی به طور معمول در همه دنیا از جمله در قلمرو زبان فارسی انواع و اقسام مغازه‌های مختلف عرفان، از چینی و کره‌ای گرفته تا هندی و بومی گشوده می‌شود که در آن‌ها انواع کالاهای غیر بیولوژیک عرضه می‌کنند و بیش‌تر آنان، خود را به چراغ آسمانی‌شان می‌آویزند.

مولانا آنجا که مرید است چنان سرسپرده است که ثروت و حیثیت و

ناموشش را بر پای مراد می‌ریزد و آنجا که مراد است چنان با اقتدار و از بالا حکم می‌کند که نفس زیر دست بند می‌آید. شکافتن این مبحث در کتابی دیگر که برای جوان‌ترها نیست انجام خواهد شد.

طرز کار مولانا در مثنوی چنین است که اول داستانی را تعریف می‌کند، سپس به شیوه‌های مختلف نشان می‌دهد که داستان برایش اهمیتی ندارد و فقط بهانه‌ای است تا حرف دلش را روی دایره بریزد و می‌ریزد. خیلی وقت‌ها داستان را تا پایان تعریف نمی‌کند و در اصطلاح امروزی انتهای آن را باز می‌گذارد. این داستان‌ها از مراجع مختلف گردآوری شده‌اند. احتمالاً بعضی داستان‌ها را نیز خود مولوی نوشته است. این داستان‌ها پراکنده‌اند و تداخل می‌کنند، اما همین قصه‌ها نیز خواندنی است و صد البته که کلام خرد مولانا مهم است.

مولوی بسیار خواننده بود. او به مراجع و کتاب‌های قبل از خود اشاره دارد. مراجع مولوی در زبان‌های فارسی و عربی است، ضمناً چون زبان‌های ترکی و یونانی می‌دانست، از آن‌ها نیز بهره برده است. خیلی‌ها روی آثار مولانا کار کرده‌اند اما فقط کارهای زیر در دسترس من بود:

مثنوی، نیکلسون، زرین کوب، تهران.

مثنوی، قونیه، سبحانی، روزنه.

مثنوی، استعلامی، زوار.

مثنوی، کلاله خاور.

مثنوی، گزیده فروزانفر، جامی.

مولانا، گولپینارلی، سبحانی، پارسه.

شرح مثنوی شریف، فروزانفر، زوار.

مولوی نامه، همایی، آگاه.

فیه مافیه، فروزانفر، امیرکبیر.

دیوان کبیر شمس، فروزانفر، دانشگاه تهران.

گزیده شمس، شفیع کدکنی، سخن.

تاریخ ادبیات، صفا، فردوس.

باغ سبز، موحد، کارنامه.

آفتاب معنوی، وزین پور، امیرکبیر.

شرح جامع مثنوی، زمانی، اطلاعات.

شرح مبسوط بر مثنوی، ربیعی، آبی.

در سایه آفتاب، پورنامداریان، سخن.

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و بریتانیکا جزو همیشگی این قبیل تحقیقات است. البته به جسته‌گریخته‌های فراوان این جا و آن جا، بیش‌تر در اینترنت، سرک کشیده‌ام.

طبق معمول، خوانندگان پیش از چاپ فراوان بودند و هرکدام راهنمایی‌های ارزنده کردند که بدون کمک آنان، کار از آن‌چه هست ضعیف‌تر هم می‌شد. آوردن نام‌شان برای تشکر ضروری است، بیم آن دارم اما، که آوردن نام، مسئولیتی از بابت کاستی‌های این کتاب، که تماماً متوجه اول شخص مفرد است متوجه آنان کند. از همه‌شان ممنونم باری.